

سؤالاتیکه در احکام الهیه نموده بودند عرض شد از مطلع عنایت این جواب مشرق و لائح قوله جلّ کبریائه جناب زین المقربین انشاءالله بعنایة الله در کلّ عوالم فائز باشید سؤالات شما لدى العرش مقبولست چه که منفعت کلّ خلق در اوست و مخصوص امر نمودیم ترا که در احکام و آیات الهیه سؤال نمائی انا جعلناک مطلع الخیر للعباد باید در کلّ احیان ناس را باحکام الهیه امر نمائید که شاید به ما امر به الله و ما یتفق به انفسهم فائز شوند اگرچه نفوسيکه تابع اوامر الهی باشند کم مشاهده میشود چنانچه جمعی حال در بلدان بنور ایمان فائزند ولکن به عمل بما نزل من عنده هنوز فائز نگشته‌اند مگر قلیلی و از قبل باجناب نوشتم که اگر حقوق الله را ادا مینمودند عباد آن ارض آسوده بودند قبل از حکم نفسی مکلف نبوده و قلم اعلى در سنین معدوده در ازال احکام و اوامر توقف نموده و این نظر بفضل الهی بوده و اگر اهل امکان بشرات ما از لزله الرحمن عارف شوند کل بامرش قیام نمایند و بانچه فرموده عامل شوند ولکن نظر بحکمتیکه در الواح الله نازل شده بعض احکام که الیوم سبب موضوعاتی ناس و علت احتیجاب خلق است اگر ترک شود لا بأس و اما اعمالیکه سبب اعراض و اشتئار نیست مثل اذکار و ادای حقوق و امثال آن البته کل باید باآن عامل شوند و در باره زکوه هم امر نمودیم کما نزل فی الفرقان عمل نمایند انشاءالله در این ایام بعض از آیات کتاب اقدس بلسان پارسی بیان میشود و در ضمن بعضی از احکام که نازل نشده ذکر خواهد شد ان ریک فی کل الأحوال اراد خیر احبابه و یعلمهم سبیله الحق الواضح المستقيم

اینکه مرقوم فرموده بودند که این بنده نوشته که حقوق الله هر صد مثقال نوزده مثقالست چه از ذهب و چه از فضّه و چه از اشیای موجوده و فرموده بودید که از این همچه مفهوم شد که این حقی است که در مال میّت تعلق میگیرد و بعد از ادای آن سایر اموال تقسیم میشود قوله عزّ کبریائه قلم اعلى میفرماید نصاب حقوق الله نوزده مثقال از ذہبست بعد از بلوغ باین مقدار حقوق تعلق میگیرد و اما فضّه بعد از بلوغ او باینمقام قیمة لا عددًا و كذلك فی سائر الأشياء و اما حقوق الله یکمرتبه تعلق میگیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آنرا ادا نمود بر آن مال دیگر حق الله تعلق نمیگیرد مگر بر آنچه بتجارات و معاملات بر او بیفراید و بحدّ نصاب برسد یعنی منافع محصوله از آن در این صورت به ما حکم به الله باید عمل شود الا اذا انتقل المال الى يد اخرى اذاً يتعلّق به الحقوق كما تعلق اول مرّة در اینوقت حقوق الهی باید اخذ شود از حق جل جلاله بخواهید که احبابی خود را موقّ فرماید تا کل از بحر رضای الهی که سبب و علت نجات اهل عالمست نصیب بردارند و بانچه سبب تطهیر و ابقاء وجود است باللطّع عامل گردند نقطه اولی میفرماید از بهاء کلّشیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند ولکن نظر بفضل اعظم اسباب بیت و بیت مسکونه را عفو نمودیم یعنی اسبابیکه ما یحتاج به است و اینکه سؤال نموده بودند که حقوق الله و دیون میّت و تجهیز اسباب کدام مقدمست حکم الله آنکه تجهیز مقدمست و بعد ادای دیون و بعد اخذ حقوق الهی انه يؤدّي دیون احبابه و من اولی به فی ذلك انه لهو الموّفي المؤّدی الكريم و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است بمقتضای آن قليلاً و كثيراً قسمت شود امر دین اهمّست در کتاب طوبی لمن صعد و لم یکن علیه حقوق الله و عباده و معلوم بوده که حقوق الله مقدمست بر جميع حقوق ولكن محض فضل حکم مطلع الوحی بما نزل فی هذا اللوح من قلمه المحی العالم

اینکه مرقوم فرموده بودند که در باب ارث مقرر شده که اگر ذریّه موجود نباشد حقوق ایشان به بیت العدل راجعست هر یک از طبقات هم هرگاه موجود نباشد مثل اب یا ام یا اخ یا اخت یا معلم حقوق آنها راجع به بیت العدل است یا قسم دیگر است اینفقره بیان آن در کتاب الهی نازل شده قوله تعالی من مات و لم یکن له ذریّة یرجع حقوقهم الى بیت العدل الى آخر و الذى له ذریّة و لم یکن ما دونها عمّا حدّ فی الكتاب یرجع الثلثان مما تركه الى الذریّة و الثالث الى بیت العدل كذلك حکم الغنی المتعال بالعظمة و الاجلال اگر ذریّه موجود باشد و نفوس اخري از اب و ام و اخ و اخت و سایرین کلّهم او بعضهم مفقود باشد حقوق آن نفوس سه قسمت میشود دو قسمت آن بذریّه راجعست و یک قسمت آن به بیت العدل معنی

آیه مبارکه چنین میشود نفسیکه از برای او ذریّه بوده و نبوده است ما دونها ای ما دون ذریّة عما حدد في الكتاب اي نفوس مذکوره در آن از اب و ام و زوج و اخ و اخت و معلم راجع میشود دو ثلث از حقوق نفوس مذکوره عما ترکه المیت بذریّه و یک ثلث الى بیت العدل و این حکم در کل و بعض هر دو جاریست

این سند از [کتابخانه مراجع مهیانی](#) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۳ زوئن ۲۰۲۴، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر